



پاسخ دفتر رهبر انقلاب به نامه مولوی عبدالحمید

### همه باید با هم برس بلندی وعزت ایران اسلامی بیاندیشند

دفتر معظم رهبری به نامه مولوی عبدالحمید که در آن نسبت به برخی تبعیض‌ها انتقاد کرده بود، پاسخ داد.در متن نامه آمده است:مرقومه جنابعالی خطاب به مقام معظم رهبری دریافت و به استحضار ایشان رسید. معظمله از اظهار علاقه‌مندی شما به نظام مقدس جمهوری اسلامی و جانبداری و حمایت و دفاع از کشور و آرمان‌های والای انقلاب اسلامی قدرناتی کرده و فرمودند: «همه از کارن جمهوری اسلامی موظفند بر اساس معارف دینی و قنون اساسی هیچ‌گونه تبعیض و نابرابری بین ایرانیان از هر قوم و نژاد و مذهبی روا ندارند. ما هم به جد معتقدیم همه باید با هم در کنار هم و در صوف فشرده و واحدی به سر بلندی و عزت ایران اسلامی ببنیدیشند و در راه آن تلاش کنند و اجازه ندهند دشمنان این مرز و بوم و خناسان وابسته به این و آن در این صف واحد تفرقه افکنده و کارشکنی کنند». به این امید که با الهام از تعالیم اسلامی و تمسک به اصول قانون اساسی همه ما به عنوان ایرانی توانیم در جهت اعتلای کشور و تأمین منافع ملی و تحکیم وحدت و یکپار چگی گام برداریم و نقش خود را در انجام وظایف دینی و ملی ایفا کنیم.



#### کشور، ملت و مردم

ادامه از صفحه یک

تلاش دارد تعریفی از همبستگی و پیوستگی یک جامعه با زمینه‌های فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و زبانی را با اضافه کردن احساس دل بستگی واحد میان اعضای آن جامعه به نمایش بگذارد. با این حال نوع و میزان استفاده از این واژه در ادبیات سیاسی و اجتماعی ایران باعث شده است که به جایگاه مفهومی و کار کردی آن در ذهن عامومی خدشه وارد شود و شاید به همین دلیل، برداشت‌ها از به کار بردن این واژه و رفتارهای منتج از آن نیز دچار چالش مفهومی شوند.

در یک نظام دموکراتیک، از آن جا که هر توقف و حضور بر راس هرم قدرت و تصمیم گیری با رای مردم مشروعیت می‌یابد، جذب اکثریت مردم غالباً با گفتارهای و رفتارهایی انجام می‌شود که بتواند در میان جمع بیشتری از مردم درباره دل بستگی و انتخاب یک فرد یا جریان سیاسی اتفاق نظر ایجاد کند. به همین دلیل است که خواندن مردم با واژه‌ای چون «ملت» در این زمان بسیار به کار می‌آید. در واقع سیاستون در این زمان با خواندن مردم یک کشور به نام واحد ملت تلاش دارند با اشاره به همه ریشه‌های مشترک این مردم و دل بستگی آنان به این ریشه‌ها، از یک سو همه آن‌ها – و نه تنها طرفداران تفکر و مرام فکری و عملی سیاسی شان – را مخاطب خود قرار دهند و از سوی دیگر با معرفی خود به عنوان اصلاح افراد و جریان‌های سیاسی برای برگزیده شدن به عنوان راهبر یک ملت در مسیر موافق همه آن ریشه‌های مشترک و همراه با همبستگی و دل بستگی‌های ملی جامعه، رای بیشتری (و به سمت خود جذب کنند. در چنین شرایطی میز استفاده از پوپولیسم و نیت واقعی ملی گرایی یک فرد یا جریان سیاسی بسیار مبهم است. این روند در هنگام تصدی قدرت نیز برای نمایش مشروعیت‌عامل، رفتار و خواسته‌های حاکمان بی گرفته می‌شود؛ چنان که هر عمل، رفتار یا خواسته‌ای در عرصه داخلی و خارجی که احیاناً با اعتراض و انتقاد مواجه شود، در بسیاری موارد خواسته «ملت» تلقی شده و بدین طریق مشروعیت آن به رخ مخالفان و منتقدان کشیده می‌شود.

در بسیاری موارد چنین روندی نباید درست به نظر برسد. مثلاً در هنگامه جنگ‌ها و به طور خاص تجاوز یک کشور به کشور دیگر، کنش‌های ملی گرایانه به اوج خود می‌رسند. در واقع در هر شرایط تهدیدآمیزی که دل بستگی‌های مشترک یک ملت را هدف قرار گیرد، روحیه ملی مردم به جنش در خواهد آمد. با این حال بسیار پیش می‌آید که معرفی یک دلبستگی خاص به عنوان دلبستگی کلی یک ملت از سوی برخی با رفتارهای آمیخته به سیاست‌ورزی انجام شده و چالش مفهومی واژه «ملت» از همین جا آغاز می‌شود.

در درج بالاتر از دموکراسی و مردم‌سالاری – و به تعبیری مردم‌سالاری مدرن – به مفهومی به نام پلورالیسم یا همان تکثر گرایی بر می‌خوریم. مفهومی که گوناگونی علایق، سلاقی و عقاید را در جامعه مورد احترام قرار می‌دهد. در واقع در مردم‌سالاری با استفاده از پلورالیسم، به یک همزیستی مسالمت‌آمیز میان این گوناگونی‌ها می‌اندیشد و در ادامه تلاش می‌کند با استفاده از گفت‌وگو، به مشخص شدن و متعاقب آن به درک بهترین راه برای تک تک افراد جامعه یا همان «صلح‌ت عموم» بینجامد. چنین شرطی هر چند از سوی بسیاری از فیلسوفان و نظریه پردازان سیاسی ایده‌آل گرایانه، اوتوپایی و حتی گاه ناممکن تلقی می‌شود، اما در تلاش بر رسیدن آن می‌توان این نکته را مدنظر قرار داد که «صلح‌ت عموم» برآیند نقاط مشترک همه گوناگونی‌هاست.

در یک نظام ایدئولوژیک هر چند با مفهوم دموکراسی و جمهوریت آمیخته شده باشد، نمی‌توان انتظار داشت که مفهوم پلورالیسم دینی – اگر ایدئولوژی سیاسی دین‌محور باشد – و یا به طور کلی پلورالیسم سیاسی به طور تام و تمام اجرایی شود. با این حال باید دقت کرد که کدام خواسته، گفتار، رفتار و عمل را به کل یک ملت تعمیم می‌دهیم. در واقع برجسب «صلح‌ت عمومی» را نمی‌توان روی هر موضوعی حساسند و با پشتوانه نام بردن از «ملت» اجرایی آن را توجیه کرد. چنین رفتاری در سطح حداقلی آن موجبات خنده و تمسخر را فراهم می‌آورد و در سطوح حداکثری به ناراضیاتی و بی اعتمادی در میان منتقدان و مخالفان آن حرف، رفتار یا عملی که از سوی یک فرد یا جریان سیاسی، به «ملت» نسبت داده شده منجر خواهد شد که گاه می‌تواند رفتارهای متقابل حتی شدیدی را به دنبال داشته باشد.

نمود چنین موضوعی را می‌توان به عنوان مثال در مجموع حواشی دیدار روز سمنه‌شبه تیم‌های ملی فوتبال ایران و سوریه در هفته پایانی رقابت‌های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۸ در منطقه آسیا مشاهده کرده جایی که مسائل مختلفی از بحث ندانن اجازه ورود زنان ایرانی به استادیوم آزادی و حضور زنان – حتی بی حجاب – سوری در ورزشگاه، امکان تثنای دو تیم برای ایجاد امکان صعود سوریه به پلی آف مقدماتی جام جهانی، جدال‌های درون زمین، سخنن سردار آزمون (مهاجم تیم ملی ایران) درباره فحاشی بازیکنان سوری در زمین و البته ویدیویی که از سوی دو بازیکن تیم ملی سوریه بعد از کسب تساوی برابر ایران پخش شد و شعارهای توهمین‌آمد نیز ایرانی در آن شنیده می‌شد، مشاهده کرد. ایران و سوریه سال‌هاست در ساحت حاکمیتی دوستانه‌ی استراتژیک محسوب می‌شوند. این موضوع به خصوص با حضور مستشاری ایران در مقابله سوریه با داعش بیش از پیش به چشم آمد و تلفات ایران در این جنگ با نام «شه‌های مدافع حرم» نهلمیده شدند. تا بدین جای کار و با همه استدلال‌هایی که دو طرف برای این دوستی و حمایت دو جانبه دارند بر پایه مباحث دیپلماتیک و استراتژیک قابل تحلیل است. مساله در واکنش‌های مردمی به این حواشی از جایی شروع می‌شود که دو طرف در تبیین این روابط، از واژگان «ملت» «دوست» و «برادر» استفاده می‌کنند. شاید بخش قابل توجهی از جامعه هر دو کشور قائل به چنین دوستی و برادری باشند، اما نمی‌توان این بخش قابل توجه را «ملت» ایران نامید. کما این که در سوی دیگر ماجرا، بخش بزرگی از مخالفان بنشار اسد – رئیس‌جمهوری سوریه – جمعی از مردم سوریه هستند که به دلایل نزدیکی دولت‌های دو کشور، ایران را دوست و برادر نمی‌دانند و نمی‌بینند. استدلال‌های این جمع – درست یا غلط – منجر می‌شود که در مقابل نوشتن این روابط به پای «ملت»‌ها و نه تنها «دولت»‌ها واکنش نشان دهند. یا در مثالی دیگر، زمانی که محمود احمدی‌نژاد و هوگو چاوز ونزوئلای، در رفت‌وآمدهای فراوان خود از دوستی «ملت»‌های ایران و ونزوئلا می‌گفتند، حتی این نزدیکی جغرافیایی، تاریخی و در زمان حاضر استراتژیک ایران و سوریه هم وجود نداشت که بتوان تصویری از آن ارائه داد. شاید این موارد در بادی امر چندان حساس و مهم تلقی نشوند، اما جمع شدن آن‌ها باعث خواهد شد که «ملت» ایران در واکنش به استفاده به جا یا نایجا از عبارت «ملت ایران» دیگر آن روی وحدت و همبستگی و دل بستگی را بروز ندهند و از باز یچه‌ای برای تحریک احساسات ببینند و این نکته‌ای است که سیاستون باید به آن دقت و توجه بیشتری داشته باشند.



حجت الاسلام علی کسماری معاون پژوهشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام در نشست خبری معاونان موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) در پاسخ به پرسشی مبنی بر علت ایراد گرفتن این موسسه به چاپ جلد سوم خاطرات مرحوم ابراهیم یزدی، گفت: خاطرات مرحوم یزدی مثل ده‌ها کتاب دیگری است که طبق قانون وزارت ارشاد به موسسه تنظیم آثار امام فرستاده می‌شود و ما هم کارشناسی‌ها را انجام دادیم و در نامه‌ای به ناشر موارد پانزده گانه‌ای را برای اصلاح اعلام کردیم که البته ناشر تاکنون در این زمینه با ما همراهی نکرده است. وی در پایان توضیح داد: ما به دنبال ممیزی منفی و سانسور نیستیم چنین حقی را هم برای خود نمی‌شناسیم اما آقای یزدی در مواردی خلاف گویی کرده که یکی از این موارد خلاف وصیت‌نامه امام است و تا اصلاح انجام نشود نمی‌توانیم مجوز دهیم.

گفت‌وگوی منتشر نشده از مرحوم ابراهیم یزدی با «ابتکار»

## جریانی که به دنبال حذف روحانی باشد، حیات خودش هم تهدید می‌شود

♦ قهر قهر تا روز قیامت در دیپلماسی معنا ندارد



به این راحتی و طی ۲ یا ۳ سال قابل حل نیست. برخی کشورها مثل کوبا و آمریکا با چین و آمریکا سال‌های سال مذاکره کردند تا به توافق نهایی دست پیدا کردند. قرآن در باره با رفع اختلاف میان زن و شوهر می‌گوید:«برای اصلاح رابطه ابتدا باید اراده وجود داشته باشد.» گاهی این اراده وجود ندارد و طرفین هیچ علاقه‌ای به گفتمان و حل و فصل مشکلات ندارند. لذا اگر ایران و آمریکا اراده اصلاح داشته باشند، قطعاً راه‌ها پیدا می‌شوند.مثال می‌زنم. در زمان بوش پسر آمریکایی‌ها به هیچ عنوان علاقه‌ای به برقراری رابطه با ایران نداشتند. حتی بعد از همکاری در افغانستان بوش اعلام کرد ایران محور شرارت است. اما در دوران اوپاما آمریکا این اراده اصلاح رابطه را پیدا کرد و این بسیار مهم است. زیرا اوپاما مصمم بود که چند گره کور را تا پایان دوران ریاست جمهوری خود، باز کند. یکی کوبا بود که حل شد. یکی دیگر مسئله صلح فلسطین بود و تلاش می‌کرد که اسرائیل این کشور را به رسمیت بشناسد و به مرزهای قبل از جنگ‌های ۱۹۶۷ و به قطعنامه ۲۴۹ عمل کند. یکی دیگر از این گره‌ها ایران بود که اوپاما به شدت سعی داشت این مسئله را حل کند. منتها دو گونه روش برای حل اختلافات وجود دارد. البته نه به این شکل که بگویند با شرایط آنها توافق صورت بگیرد. زیرا اوپاما واقعا شرایط را درک کرده‌بود و سعی داشت با مذاکره به یک راه‌حلی برسد که دو طرف راضی باشند. درباره ایران هم واقعیت این است که اگر اراده اصلاح وجود داشته باشد، به نفعمان است که با اوپاما به توافق برسیم. زیرا اگر در دوره بعدی انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، (شاره) ایشان به انتخابات اخیر ایالات متحده آمریکا است که هنوز برگزار و ترامپ رئیس جمهور آمریکا نشده بود) جمهوری خواهان پیروز شوند، مسیر بسیار سختی پیش روی ما خواهد بود. من معمولاً برای بچه‌های روزنامه‌نگار یک مثالی می‌زنم که شما خیلی ساده شرایط را درک کنید. من ۵۰ سال پیش یک کتابی به اسم شرطین باز خوندم که مترجم آن آقای نجف‌دریابندری بودند. ماجرایش این است که فردی مهره‌های شرطین را بر روی صفحه بازی می‌چیند تا با خودش شرطین بازی کند. یعنی وقتی در هر سوی میز بازی می‌نشیند توجه می‌کند تا ببیند طرف روبرو(خودش) چگونه بازی کرده است. ما هم در عرصه سیاست باید کار این شرطین باز را انجام دهیم. یعنی تخته بازی را در مقابل خودمان قرار دهیم جای اوپاما بشینیم. آن موقع است که متوجه می‌شویم رئیس جمهوری آمریکا واقعا خوب بازی کرده است.

**آیا همان الگوی موفقیتی که در افغانستان در خصوص طالبان عملی شد را نمی‌توانستیم در عراق مجدداً اجرا کنیم؟**

اتفاقا یکی از انتقادهای من به سیاست خارجی دولت آقای روحانی همین است. ما سیاستمان هرچقدر در مذاکرات هسته‌ای مناسب و قدرتمند است. در خصوص عراق به شدت اشتباه است. ما هرچند در عراق به دولت این کشور کمک می‌کنیم اما باید بهتر عمل می‌کردیم. می‌توانستیم از آمریکایی‌ها امتیاز بگیریم و یک همکاری مجدد با این کشور داشته باشیم. تجربه پیروزی در مقابل طالبان را هم تکرار کنیم. الان در عراق وزارت امور خارجه فعال نیست و هر اقدامی علیه داعش صورت می‌گیرد توسط سپاه است. هرچند این اقدامات صحیح است اما نکته اینجاست که ما در این کشور و جنگ در حال پرداخت هزینه هستیم ولی بدون دریافت امتیاز. با این حال به عقیده من سیاست خارجی دولت در خصوص آمریکا با ۵۰۱ کاملاً صحیح و مناسب بود.

**یکی از مسائلی که در خصوص مذاکره ایران با ۵+۱ هنوز مطرح می‌شود لغو یک‌جای تحریم‌ها است و اینکه برخی معتقدند این توافق حاوی اشتباهاتی است که موجب شده طرف مقابل از آنها استفاده کند. این را چقدر قبول دارید؟**

لغو تمامی تحریم‌ها امکان‌پذیر است اما نه به آسانی. این نیازمند یک برنامه و سیاست صحیح است. ما نمی‌توانیم سرمان را به دیوار بکوبیم و بگوییم برو عقب. زیرا همه تحریم‌ها از سوی آمریکا نیست. ایالات متحده و اروپا در این مسئله مشترک عمل کرده‌اند. گروه ۵+۱ هم حاضر به لغو تحریم‌ها باشند، تحریم‌های مسائل حقوق بشرن‌توان موشکی و… باقی می‌مانند. اما درباره تحریم‌های هسته‌ای در یک نقشه راه ایران می‌تواند نظر سازمان انرژی هسته‌ای را جلب کند و گروه ۵+۱ تعهد دهند که به محض اینکه ام‌پی‌تی گواهی داد که ایران تمام شروط را رعایت کرده‌است، تحریم‌های خود را لغو کنند و بلافاصله به شورای امنیت بروند و درخواست لغو تحریم‌ها را تحویل این نهاد بدهند. یعنی یک کیچ. حرف ایران در خصوص لغو یکپجا درست است اما این نیازمند یک برنامه این چنینی است.

**توضیح موسسه تنظیم آثار امام (ره) درباره جلوگیری از چاپ خاطرات ابراهیم یزدی**

حجت الاسلام علی کسماری معاون پژوهشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام در نشست خبری معاونان موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) در پاسخ به پرسشی مبنی بر علت ایراد گرفتن این موسسه به چاپ جلد سوم خاطرات مرحوم ابراهیم یزدی، گفت: خاطرات مرحوم یزدی مثل ده‌ها کتاب دیگری است که طبق قانون وزارت ارشاد به موسسه تنظیم آثار امام فرستاده می‌شود و ما هم کارشناسی‌ها را انجام دادیم و در نامه‌ای به ناشر موارد پانزده گانه‌ای را برای اصلاح اعلام کردیم که البته ناشر تاکنون در این زمینه با ما همراهی نکرده است. وی در پایان توضیح داد: ما به دنبال ممیزی منفی و سانسور نیستیم چنین حقی را هم برای خود نمی‌شناسیم اما آقای یزدی در مواردی خلاف گویی کرده که یکی از این موارد خلاف وصیت‌نامه امام است و تا اصلاح انجام نشود نمی‌توانیم مجوز دهیم.

۲۲ میلیون رای را متوجه شدند؟ مثال می‌زنم. ایشان در سال اول ریاست جمهوری خود به دانشگاه تهران رفتند. ما و عده‌ای از دوستان از ایشان خواستیم که این کار را نکنند. پیشنهاد ما این بود که ایشان به عنوان رئیس جمهوری از مردم دعوت کنند به میدان آزادی بیایند تا آنها را در جریان عملکرد یک ساله خود بگذارند. الان روحانی هم وزن این ۱۸ ملیون را متوجه نشده است. ما قبل از ارائه گزارش ۱۰۰ روزه از ایشان هم خواستیم که این کار را بکنند.

**تبعات ندارد؟ به هر حال جمعیت زیادی هستند و احتمال هر اتفاقی وجود دارد. مخصوصاً جناح مقابل را به شدت نگران می‌کنند…**

ممکن است داشته باشد. اما توجه داشته باشید که وقتی این پیشنهاد مطرح می‌شود به این معنی نیست که حتماً باید انجام شود. موضوع این است که اگر رئیس جمهوری این را اعلام کنند، سریعاً نیروهای امنیتی به ایشان فشار می‌آورند تا منصرف شوند. اینجاست

که آقای روحانی می‌تواند امتیاز بگیرند و برنامه را لغو کنند. لذا این می‌تواند یک اهرم فشار باشد. درست است که سیاسی کاری غلط است اما نباید فراموش کرد که ما در یک جامعه پوپولیستی زندگی می‌کنیم و در این شرایط یک رئیس جمهوری باید بداند که چگونه بازی کند. من این انتقاد را به مرحوم بازرگان می‌دانتم. ایشان هم هر وقت قصد داشتند مسئله‌ای را مطرح کنند یا گزارشی بدهند به صدا و سیما اعلام می‌کردند که خبرنگار بفرستند. صادق قله‌زاد هم که بنا به دلایلی با مهندس شد افتاده بود، نمی‌فرستاد و یا اگر هم خبرنگارشان می‌آمد سر و ته صحبت‌های مهندس را حذف می‌کرد. من هم به ایشان می‌گفتم که شما رفیق ۴۰ ساله آیت‌الله طالقانی هستید، بروید در نماز جمعه صحبت کنید. بنابراین انتقاد من به دولت این است که آقای روحانی این بازی را بلد نیست و یا نمی‌خواهد انجام دهد. درحالی که اگر بخواهد موفق شود باید این اقدام را انجام دهند. اگر دقت کرده باشید هر گاه ایشان در جمع مردم صحبت می‌کنند علاوه بر اینکه به نکات خوبی اشاره می‌کنند، تأثیرگذاری بیشتری هم دارند.

**اگر از مقوله سیاست داخلی بگذریم، ر‌زیابی تان در خصوص سیاست خارجی دولت چیست؟ به هر حال این مسئله این روزها به جد پیگیری می‌شود و دولت آن را راه‌برون رفت از بسیاری از مشکلات می‌داند…**

سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی هر کشور است. یعنی دیپلماسی برای دیپلماسی. معنا ندارد. هیچ کشوری در دنیا وجود ندارد که بی نیاز از ارتباط با بیرون باشد. حتی ابرقدرت‌هایی مثل آمریکا، انگلیس، چین و… بنابر این ایران اگر می‌خواهد توسعه اقتصادی داشته باشد، نمی‌تواند رابطه خود را با خارج قطع کند. بگذارید اینجوری توضیح بدم. ما سالانه نیاز به دو میلیون شغل داریم، بطور می‌توانیم دم از توسعه اقتصادی بزنیم وقتی جمعیت

